

ادراکات مدیران و صاحب نظران دانشگاهی در خصوص مؤلفه‌های مدیریت اسلامی*

محمدحسین یارمحمدیان^۱، مسعود فردوسی^۲، محمدحسین پسندیده^۳

چکیده

مقدمه: مدیریت مهم‌ترین عامل تداوم حیات و استمرار موفقیت سازمان‌ها است و مدیران نقشی بسیار مهم و تعیین کننده را در رشد و بالندگی و پیشرفت هر سازمان به عهده دارند. در منابع دینی نیز از اهمیت مدیریت و مدیران شایسته، مطالب بسیاری می‌توان یافت. هدف از این تحقیق، شناسایی نظرات و ادراکات مدیران و صاحب نظران دانشگاهی در خصوص مؤلفه‌های مدیریت اسلامی بود.

روش بررسی: روش انجام این تحقیق از نوع کیفی با تحلیل محتوای موضوعی بود. شرکت کنندگان در این تحقیق ۱۴ نفر از دانشگاهیانی بودند که در زمینه‌ی مباحث تحقیق دارای تجربه و یا تألیفاتی بودند. ابزار انجام این تحقیق مصاحبه بود که پس از انجام مصاحبه‌ها و به حد اشباع رسیدن موارد تحقیق، مصاحبه‌ها متوقف شد و مفاهیم اصلی از میان مصاحبه‌ها استخراج شد.

یافته‌ها: حکومت اسلامی برای احیای دین و تأمین آرامش و امنیت اجتماعی و احقاق حقوق مردم بنا شده است، نه برای زورگویی و ... بنابراین، در نظام اسلامی، مدیر باید با توجه به منزلت‌های انسانی، مسایل ارزشی و وضع قوانین و مقررات هماهنگ با احکام الهی مدیریت کند. در مدیریت اسلامی، ارزشیابی، وحدت و هماهنگی، سعه‌ی صدر، مشورت، ارتباط مدیر با مردم و ... از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لازمی حکومت و مدیریت اسلامی، رحمت، محبت و مهربانی به شهروندان است.

نتیجه گیری: مدیریت اسلامی شیوه‌ی مدیریت خاصی است که برگرفته از آموزه‌های دین مبین اسلام است و مهم‌ترین ویژگی شیوه‌ی پیش‌گفت آن است که هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، چرا که هدف آن مقدس می‌باشد و برای رسیدن به این هدف باید به آموزه‌های اسلامی توجه شود.

واژه‌های کلیدی: ادراکات؛ مدیران؛ مدیریت اسلامی.

نوع مقاله: تحقیقی

پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۱۳

اصلاح نهایی: ۹۰/۱۲/۱۰

دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۱۸

ارجاع: یارمحمدیان محمدحسین، فردوسی مسعود، پسندیده محمدحسین. ادراکات مدیران و صاحب نظران دانشگاهی در خصوص مؤلفه‌های مدیریت اسلامی. مدیریت اطلاعات سلامت ۱۳۹۰؛ ۸ (۸): ۹۹۷-۱۰۰۶.

مقدمه

*این مقاله حاصل انجام طرح تحقیقاتی شماره‌ی ۲۹۰۰۵۸ است که توسط مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان حمایت شده است.

۱. دانشیار، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.
۲. استادیار، مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.
۳. کارشناسی ارشد، مدیریت فرهنگی، باشگاه پژوهشگران جوان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران. (نویسنده‌ی مسؤول)
Email: pasandide.2009@yahoo.com

دانش مدیریت یکی از مهم‌ترین علوم انسانی به شمار می‌آید؛ چرا که از دیرباز برآوردن نیازهای زندگی، آدمی را به اجتماع و عرصه‌های گوناگون آن فرا خوانده است. در این زمینه برای بسیج امکانات و دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده‌ی خود، ناگزیر بوده به نوعی مدیریت و رهبری تن در دهد ولی پیچیدگی مسایل و گسترش روزافزون سازمان‌های اجتماعی که مدیریتی متناسب با ساختارهای خود را می‌طلبد، مسأله‌ی مدیریت را به صورت امری چالشی درآورده است.

این در حالی است که حوزه‌ی مدیریت عرصه‌ی جولانگاه نظریه‌ها، تئوری‌ها، دسته‌بندی‌ها، مدل‌ها، بنیادها، تحلیل‌ها، بررسی‌ها و نقدها و آرایه‌ی افکار و اندیشه‌های بزرگ و تحول آفرین است که اغلب این نگاه‌ها با توجه به مقوله‌ی زمان و مکان عرضه می‌گردد (۵).

در مقابل دیدگاه‌های بشری، در واقع این منظرگاه دینی و قرآنی مدیریت است که از خداوند آغاز می‌کند؛ چرا که مدیریت اسلامی نه کاپیتالیستی است که تنها تولید در رقابت را هدف قرار داده باشد و نه مسیحیت بی روح امروز است که در چارچوب دستورات اخلاقی باقی مانده باشد و در دین سترگ محصور شده و برای اداره‌ی جامعه، خود را از جامعه جدا کرده و برنامه‌ای نداشته باشد؛ بلکه دینی است که جهت اداره، رهبری و مدیریت جامعه برنامه آرایه می‌کند، اما در مسیری که حقوق انسانی افراد بشر رعایت می‌شود و ضمن حرکت و پویایی بیش‌تر، انسان‌ها را در مسیر الهی قرار می‌دهد (۶).

اسلام بر این موضوع تأکید می‌ورزد که از بدو تاریخ تاکنون، درجهان یک نوع مدیریت اجتماعی، سیاسی و مذهبی حکم‌فرما بوده است. مدیریتی که به خاطر هدف خلقت - که همانا عبودیت است - از جانب خداوند متعال، مشخص و معین شده است. از دیدگاه اسلام، مدیران و رهبران نیز پیام‌آوران امامان معصومی هستند که با شرط عدالت، باید مدیریت جامعه‌ی انسانی را بر عهده گیرند. در واقع اصول مدیریت اسلامی عبارت از ضوابط عام و مسایل اساسی اسلامی که به عنوان مبانی عقلانی و معیارهای مکتبی، مصدر، ملاک و راهنمای افکار و رفتار مدیران اسلامی در سازمان‌ها می‌باشد. به طور کلی مدیریت اسلامی، موضوعی است که از دیرباز مورد تعلق خاطر همه‌ی انانی بوده است که دل در گرو اسلام داشته‌اند. بر این اساس، بسیاری از افراد کوشیده‌اند تا در جهت شناخت و معرفی این پدیده‌ی مهم گامی فرا پیش نهند (۷).

در واقع بحث مدیریت اسلامی از دو مفهوم عمده تشکیل می‌شود؛ یکی مدیریت که حکایت از یک نوع دانش می‌کند و یکی هم پسوند اسلامی که حکایت از یک نوع گرایش دینی این دانش دارد و می‌شود گفت که مدیریت اسلامی یا هر علم دیگری که با پسوند اسلامی همراه باشد، مثل اقتصاد اسلامی

روش مدیریت در هر جامعه متأثر از ارزش‌های حاکم بر آن است که ریشه در بینش‌ها و بافت فرهنگی آن جامعه دارد. از این رو از یک سو، در جوامع غربی به علت وجود فرهنگ خاص، به طور معمول ارزش‌گذاری‌ها در حیات انسانی مبتنی بر یک سلسله مفاهیم اومانستی است که به دلیل عدم ارتباط با مکتب وحی، بر توهمات و ساخته‌های ذهنی بشر تکیه می‌شود و نمونه‌هایی گوناگون از انسان، تحت عناوین موجود "عقلایی- اقتصادی"، "اداری"، "خود شکوفا" و حتی موجودی "پیچیده" تعریف می‌شود (۱).

گرچه امروزه صاحب‌نظران غربی می‌کوشند تا انسان را تنها به عنوان یک عامل صرف به شمار نیاورند، ولی متأسفانه باید گفت که این فرهنگ او را از ارزش‌های الهی انسانی خود تهی کرده و قدر و منزلتش را در روابط سازمانی به‌گونه‌ای تنزل داده است که به او به عنوان یک مهره‌ی سودآور برای سازمان نگاه می‌شود (۲).

اساساً یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و پیشرفت کشورها، وجود مدیران توانمندی است که با استفاده‌ی مناسب از امکانات، مسیر ترقی و تعالی را هموار می‌کنند و در زمانی کوتاه دستاوردهای حیرت‌انگیزی را به ارمغان می‌آورند. آنان با کم‌ترین منابع و امکانات، بهترین عملکرد را به نمایش می‌گذارند و بیش‌ترین ثمره و نتیجه را عاید سازمان‌های خود می‌کنند؛ مدیرانی که با بهره‌گیری از علم و هنر مدیریت و استمداد از پروردگار خویش، تمام توان خود را در طبق اخلاص می‌گذارند و چشم به مواهب و عطایای مادی آن روا نمی‌دارند، خود را مسؤول منابع و امکانات می‌دانند و در استفاده از آن‌ها نهایت دقت را مبذول می‌دارند، خود را برتر و والاتر از مجموعه‌ی تحت امر خویش نمی‌شمرند و هرگز به دیده‌ی ابزاری به آنان نمی‌نگرند (۳).

بدون اغراق باید گفت چنین مدیرانی، سرمایه‌ی عظیم کشور و رمز موفقیت آن محسوب می‌گردند. در این خصوص تئوری‌های مختلفی ظهور کرده‌اند که هر کدام داستان و مسیری را طی نمودند تا از مرحله‌ی زایش، گرایش (Tendency)، عرضه، نقد (Critical)، تولد یا افول (Birth) حرکت نمودند (۴).

روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق مصاحبه‌ی عمیق می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات، با مراجعه به سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط و مصاحبه با صاحب‌نظران با حضور محقق، جمع‌آوری اطلاعات انجام شد.

برای انجام مصاحبه‌ها از طریق تماس تلفنی با شرکت کنندگان ضمن طرح موضوع ابتدا از مشارکت کنندگان در مورد تمایلشان به شرکت در این پژوهش سؤال می‌شد و سپس در صورت تمایل قرار مصاحبه گذاشته می‌شد. قبل از شروع مصاحبه‌ها سعی می‌شد کلیه‌ی متغیرهای مزاحم از قبیل تلفن‌های ثابت و همراه، مراجعات حضوری و ... حذف شوند. مصاحبه‌ها بین ۵۰ تا ۱۱۵ دقیقه به طول انجامید و مکالمات از طریق دو دستگاه ضبط صوت پیشرفته ضبط می‌شد که در اسرع وقت در دستگاه کامپیوتر ذخیره می‌شد. مصاحبه‌ها پس از پیاده شدن، بار دیگر برای اطمینان بیشتر و با راهنمایی اساتید همکار کنترل می‌شدند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش به صورت "تحلیل محتوای موضوعی" (Thematic analysis) انجام شده است. بدین صورت که پس از انجام مصاحبه، مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شد و تحلیل محتوای درونی مصاحبه صورت گرفت و از این طریق کلیه‌ی موضوعات اصلی (Themes) و موضوعات فرعی (Sub-theme) از یکدیگر متمایز و مجزا گردید و سپس تم‌های اصلی و فرعی مطابق با سؤالات پژوهش شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این کار به این صورت انجام شد که مصاحبه‌ها پس از پیاده شدن فیش‌برداری شد، سپس فیش‌ها طبقه‌بندی شده و به طبقات اصلی و فرعی تقسیم گردید و در نهایت به تشریح و تبیین آن پرداخته شد.

برای محرمانه ماندن افراد به هر یک از شرکت کنندگان کد (Cod) اختصاص داده شد. برای انجام مصاحبه‌های این تحقیق ملاحظات اخلاقی زیر مد نظر قرار گرفت؛ رضایت شفاهی از شرکت کنندگان برای ضبط صدا انجام شد، به شرکت کنندگان در مورد محرمانه بودن اطلاعات اطمینان داده شد، به شرکت کنندگان اطمینان داده شد که در صورت تمایل می‌توانند فایل‌های مصاحبه را تحویل بگیرند و نزد خود

یا جامعه‌شناسی اسلامی و هر علم دیگری با این پسوند، حکایت از یک نوع پیوند و رابطه‌ای میان این دو مفهوم یعنی علم و دین دارند. خود این بحث هم، یکی از مباحث تاریخی و دیرینه‌ی بشری است. این که میان علم و دین چه نوع ارتباطی است مورد بحث و سؤال می‌باشد (۸).

بر اساس مفهوم غایت‌گرایانه بودن اسلام، به تبع آن مدیریت اسلامی است که با توجه به ذات‌شناسی (نه معرفت‌شناسی) اسلامی می‌توان عنوان کرد وقتی که بشر اولیه به این فکر رسید احساس کرد که در تصمیم‌گیری‌های مترتب به امور زندگی کمی فراتر از خود موجود می‌رود، هسته‌ی بنیادی مدیریت اسلامی شروع شده است، حتی اگر اسم اسلامی هم نداشته باشد. یعنی وقتی که بشر به این ادراک عقلی رسید که بتواند زمان را به گذشته، حال و آینده تقسیم‌بندی کند و به درجه‌ای از خود آگاهی نایل آمد، مدیریت اسلامی شروع شد (۹).

هدف از این تحقیق شناسایی نظرات و ادراکات مدیران و صاحب‌نظران دانشگاهی در خصوص مؤلفه‌های مدیریت اسلامی بوده است.

روش بررسی

با توجه به این که نوع مطالعه کیفی بوده و اهداف نیز بر پایه‌ی همین روش می‌باشد، اهداف را نمی‌توان به اعداد و ارقام تبدیل کرد؛ لذا تجربیات شرکت کنندگان پس از انجام مصاحبه به شکل تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. محیط این پژوهش استان اصفهان و جامعه‌ی این پژوهش دانشگاهیان و صاحب‌نظران دانشگاهی دانشگاه‌های این استان بودند که در خصوص بحث مورد نظر تألیفات و مقالاتی داشتند. این افراد اشخاصی می‌باشند که یا در زمینه‌ی مدیریت اسلامی صاحب نظر بوده و یا در دوران خدمت خود به اصول فکری مبحث مذکور ملتزم بوده‌اند و در خصوص بحث مدیریت اسلامی دارای نظر و رأی می‌باشند.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری از افراد مهم (Critical Case) از نوع نمونه‌گیری تئوریک (Theoretical) یا مبتنی بر هدف (Purposeful) است.

نگه دارند، هر زمان مصاحبه شونده تمایل به عدم ضبط صدای خودش را داشت این امکان فراهم گردید، یافته‌های مصاحبه‌ها را جهت تأیید و اظهار نظر به مصاحبه شونده‌گان ارائه وصحت استنباطها را از آن‌ها جویا شدیم.

یافته‌ها

با انجام این تحقیق کیفی و پس از انجام مصاحبه‌ها و استخراج مفاهیم خاص پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوای موضوعی و پس از تحلیل سخنان و اظهارات شرکت کنندگان در تحقیق که به آن‌ها دست یافتیم، به موارد و مطالب و اظهار نظرانی رسیده شد که به صورت منظم و طبق سؤالات پژوهش به دسته‌بندی آن‌ها پرداخته و ارائه داده شده است که بیانگر نظرات مشخص صاحب‌نظران و افراد مصاحبه شده است که به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

تعریف مدیریت اسلامی

مدیریت اسلامی همان مدیریت از طریق نظام ارزشی، مکتبی و دینی در اسلام است. در این تعریف، اثرگذاری اسلام بر نظریه‌ها و از جمله روش‌های عملی مدیریت از طریق تأثیرات ناشی از ارزش‌های اسلامی است.

به عبارت دیگر نظام ارزشی اسلام بر مدیر مسلمان تأثیر گذارده و انتخاب روش‌های عملی مدیریتی را از سوی او متأثر می‌سازد؛ لذا در عمل شاهد خواهیم بود که در یک موقعیت مشابه، در بسیاری موارد مدیر پایبند به اسلام به شیوه‌ی متفاوت از مدیر غیر پایبند عمل خواهد کرد. این تفاوت را باید در «چرایی»، «هدف» و «معیار» جستجو نمود. اسلام دارای نظام ارزشی عمیق، گسترده و منسجمی است که مدیریت مدیران مسلمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در روش‌های عملی آن‌ها اثر می‌گذارد و به حرکت آن‌ها جهت می‌دهد.

در نهایت و در بیان صاحب‌نظران تعریف مدیریت اسلامی؛ شیوه‌ی به کارگیری منابع انسانی و امکانات مادی و در اختیار مدیریت برگرفته و با تأکید بر آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهدافی که متأثر از نظام اعتقادی و ارزشی اسلام است.

چیستی مدیریت اسلامی

با توجه به نظرات صاحب‌نظران شرکت کننده در پژوهش و با تأکید بر نظرات شهید مطهری (ره) در اصالت فرهنگی و در آن جایی که علوم اسلامی را از سایر علوم جدا می‌کند و با استناد به مقدمه‌ی کتاب آشنایی با علوم اسلامی، برای اسلامی بودن یک علم ۴ شاخص زیر را مطرح می‌کند؛

از انگیزه‌ی ویژه‌ای برخوردار باشد، جهت و حرکت مخصوص به خود داشته باشد، آهنگ حرکتش با آهنگ حرکت سایر فرهنگ‌ها متفاوت باشد، عناصر ویژه‌ای وارد کند و آن عناصر برجستگی خاصی داشته باشد.

مدیریت، چارچوب‌ها و معیارهایی دارد که مدیر باید در محدوده‌ی آن‌ها رفتار کند و نمی‌تواند برای پیشبرد کارهایش از آن محدوده خارج شود. این چارچوب‌ها در نظرات شرکت کنندگان در پژوهش چنین می‌باشد:

۱. مدیریت و منزلت انسان؛ در نظام اسلامی مدیر با توجه به منزلت‌های انسانی مدیریت می‌کند و هرگاه روش‌ها و شیوه‌های مدیریت به شخصیت و حیثیت انسان لطمه وارد کند، آن مدیریت اسلامی نیست؛ چرا که انسان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است و قانون حفظ منزلت انسان، حاکم بر روش‌ها و اصول مدیریت است.

۲. مدیریت و قانون خدا؛ در بینش اسلامی مدیریت تا جایی نافذ است که با احکام الهی تضاد نداشته باشد.

۳. مدیریت و وجوب عدل و احسان؛ یکی از اصولی که در نظام اجتماعی اسلام حاکم بر کلیه مقررات و روابط اجتماعی است، وجوب عدل و احسان و دوری از گمراهی است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشاء و منکر و ستمگری نهی می‌کند.

۴. مدیریت و تقدس وسیله؛ مدیر اسلامی برای رسیدن به اهداف انسانی، نباید از وسایل غیر مقدس و غیر ارزشی استفاده نماید. حضرت علی (ع) می‌فرماید: پیروز نشده کسی که با گناه و تجاوز به پیروزی رسیده است و آن کسی که با شر و ستمگری غالب شود در حقیقت مغلوب است.

با توجه به دین مبین اسلام و آموزه‌های آن، مدیر اسلامی برای مدیریت نیاز به ابزار و وسایل دارد و باید به ارزش‌هایی اتکا

کند که اسلام به آن‌ها اشاره نموده است؛

- سعه‌ی صدر؛ سعه‌ی صدر به معنای داشتن ظرفیت لازم در برخورد با مسایل گوناگون، یکی از ابزارهای مهم و مؤثر مدیریت است. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: وسیله‌ی مدیریت، شرح صدر و گشایش سینه است.

- نیروی انسانی؛ مدیر بیش‌تر طرح‌ها و اندیشه‌های مدیریت را از طریق همکاران انجام می‌دهد. در واقع کلیه‌ی افرادی که در سازمان و تشکیلات کار می‌کنند، وسیله و عاملی برای مدیر می‌باشند. در مدیریت اسلامی که ریشه‌ی الهی دارد، اندیشه‌ها و طرح‌های نشأت گرفته از وحی در چارچوب ضوابط مکتب و با رعایت اصل فطرت و اصول انسانیت به دست همکاران مؤمن سپرده می‌شود و از آن‌ها خواسته می‌شود تا به عنوان تکلیف شرعی در گسترش و اجرای آن بکوشند؛ هر چند خود مدیر جلودار کاروان است.

- قانون؛ یکی دیگر از ابزار مدیریت، قانون است. قانون وسیله و طریقی است که مدیر با کمک آن، مجموعه‌ی تشکیلات را به سمت مقصود هدایت می‌کند. حد و مرز سازمان و تشکیلات به وسیله‌ی قانون مشخص می‌شود و مدیر به وسیله‌ی قانون و معیارهای قانونی، فعالیت همکاران و نیز روند حوزه‌ی مسؤولیت خود را کنترل می‌کند.

مدیر اسلامی مبدأ قوانین را ذات اقدس الهی دانسته و نفس خود را در برابر قوانینی که از جانب خداوند و پیامبران و امامان معصوم آمده مسؤول می‌داند و آن‌ها را از طریق علما و فقها به دست می‌آورد و معتقد است که قرآن و سنت معصومین اطمینان بخش‌تر، جامع‌تر و واقع بینانه‌ترند. حضرت مهدی (عج) می‌فرماید: حوادث پیش آمده را به راویان احادیث ما ارجاع دهید یعنی اجرای قوانین در مدیریت اسلامی باید طبق قرآن و سنت باشد.

- ایمان؛ در نظام اسلامی، مدیریت به کسی واگذار می‌شود که در اندیشه و عمل، اسلام را قبول داشته باشد؛ چنان که قرآن می‌فرماید: بندگان شایسته و صالح من مدیریت زمین را وارث خواهند شد.

یعنی مدیریت زمین و ساکنان آن باید در دست صالحان و مؤمنان باشد. هرگز خداوند تسلط و مدیریت بر مؤمنان را

برای کافران قرار نداده است.

- دانش و آگاهی؛ از نظر اسلام، مدیریت به کسی واگذار می‌شود که علاوه بر ایمان، دانش و آگاهی نیز داشته باشد. پیامبر می‌فرماید: کسی که بدون آگاهی و دانش کاری را انجام دهد، فسادش بیش از صلاحش است.

- کفایت؛ در مدیریت علاوه بر ایمان و تخصص، به کفایت و توانایی بر اداره‌ی سازمان هم نیاز است. منظور از کفایت، توانایی و برجستگی ویژه‌ای است که ایمان و تخصص را در خارج از ذهن با یکدیگر درآمیخته و به آن نمود عینی می‌بخشد. چنان که پیامبر (ص) می‌فرماید: صلاحیت مدیریت و امامت امت اسلامی را ندارد، مگر کسی که دارای ۳ خصلت باشد؛ قدرت پرهیزگاری و تقوایی که او را از معصیت باز دارد- توان و شرح صدری که موج‌های شیطانی برخاسته از هوای نفس را کنترل نماید- توانایی مدیریت خوب بر همکارانش را دارد و آن‌ها را مانند فرزند در زیر چتر خود گیرد. در مکتب اسلام، مدیریت به کسی واگذار می‌شود که دارای شایستگی بیش‌تر و نیز آگاه و معتقد به ارزش‌های مکتب باشد.

ویژگی‌های عمومی مدیریت از دیدگاه اسلام

- ایمان به ارزش کار؛ کشش درونی و علاقه‌ی باطنی به هر کاری که انسان تصدی آن را به عهده می‌گیرد، از عوامل بزرگ موفقیت انسان است؛ چرا که عشق و علاقه‌ی به کار مانع می‌شود که غبار خستگی بر روان انسان بنشیند. نه تنها احساس خستگی نمی‌کند، بلکه دوری از کار در او ایجاد خستگی می‌کند.

عشق و علاقه‌ی به کار، روح ابتکار و نوآوری را در انسان زنده می‌کند و در پرتو کشش درونی، مشکلات را برطرف می‌نماید. در انتخاب مدیر باید ایمان او را به ارزش کار به دست آورد و از طریق ذوق‌آزمایی و استعدادسنجی وجود این ویژگی را در او کشف کرد و از زمان‌های دیرینه گفته‌اند در هر سری شوری است، خوشبخت کسی که ذوقش را دریابد.

- امانت و تعهد؛ علو روح و طبع بلند، از ویژگی‌های مردان با هدف است که هرگز هدف را فدای تمایلات شخصی خود نمی‌کنند. در قلمرو مدیریت چه بسا اتفاق

می‌افتد که شخص مدیر با مصالح مدیریت، تضاد پیدا می‌کند. در این شرایط، نفس خودخواه و آزمند مدیر، فکر و اندیشه‌ی او را با منافع خویش همسو می‌سازد، در حالی که مدیر امین و متعهد، کفه‌ی طرف مقابل را سنگین‌تر می‌کند و به خاطر منش عالی که دارد با خود می‌گوید: «مدیریت لقمه‌ی چربی برای من نیست، بلکه امانتی است از طرف مردم در دست من و خیانت در امانت، کار قبیح و زشتی است».

- دانایی و توانایی؛ دو ویژگی عمومی است که همه‌ی مکاتب مدیریت آن را به عنوان زیربنا پذیرفته‌اند. علم و دانش و به اصطلاح تخصص، راه را روشن و مشکلات را بر طرف می‌کند، در حالی که توانایی روحی و جسمی به کار صورت می‌بخشد و به طرح عینیت می‌دهد. مقصود از دانایی، دانش مربوط به موضوعی است که مدیریت آن را به عهده گرفته و مقصود از توانایی قدرت روحی و جسمی است که ماشین کار را به پیش می‌رانند.

همان طوری که قدرت روحی از ارزش بالایی برخوردار است، صحت و تندرستی مدیر نیز دوشادوش آن، در موفقیت مدیریت مؤثر است. امامت و حکومت نوعی مدیریت جامعه است و امام علی (ع) روی علم و توانایی مدیر و تخصص او تکیه می‌کند و می‌فرماید: "سزاوارترین افراد برای اداره‌ی کشور، تواناترین و داناترین آن‌ها به احکام خداوند در مسایل مربوط به حکومت است".

- احترام به افکار دیگران؛ ارتقای دو فکر و دو اندیشه مانند پیوستن دو سیم مثبت و منفی است که از لابه لای آن برق و روشنی می‌جهد. مشاوره در مسایل مهم یکی از اصول مهم فن مدیریت است؛ چرا که در این صورت مدیر از افکار دیگران مدد می‌گیرد و به طور قطع افکار به هم فشرده، مانند نیروهای مجتمع است که قوه و قدرت آن چند برابر می‌شود. پیامبر گرامی (ص) درباره‌ی مشاوره چنین می‌فرماید: «در موردی که چهره‌ی کار برای کسی روشن نیست باید مشورت کرد. هیچکس در موردی مشورت نمی‌کند مگر این که به خیر و صلاح کار پی می‌برد».

- تواضع و فروتنی یا مردمی بودن؛ یکی از پشتوانه‌های کار مدیران، حمایت‌های زیردستان است و این پشتوانه در

صورتی به دست می‌آید که مدیر حالت مردمی به خود بگیرد و از تواضع و فروتنی در عین حفظ شخصیت چشم‌نپوشد و با مهر و محبت سخن بگوید و طرح دهد یا اجرا کند. امام علی بن ابیطالب (ع) در فرمان خود به یکی از فرمان‌روایانی که مدیریت مصر را به او واگذار کرده بود چنین می‌نویسد: «ای مالک! مهر و محبت تو به افراد زیردست دل‌های آن‌ها را متوجه تو می‌کند و آن چه موجب چشم‌روشنی زمامدار می‌شود دو چیز است؛ یکی برقراری عدالت و دومی ابراز علاقه به آن‌هاست».

بحث

با توجه به تحقیقات و بررسی‌هایی که در این پژوهش از شرکت‌کنندگان انجام شد و مورد تحلیل قرار گرفت و با توجه به تحقیقات دیگری که در متن تحقیق نیز به آن‌ها اشاره شد و موارد آن مورد بررسی قرار گرفت، بین یافته‌های این تحقیق و یافته‌های تحقیقات دیگری که مورد تأکید قرار گرفت، شباهت‌های زیربنایی و درون‌متنی از لحاظ محتوا وجود دارد و نکته‌ای که می‌توان به وضوح به آن اشاره کرد این است که اتفاقات نظری وجود دارد که با یافته‌ی اصلی این پژوهش نیز مرتبط است و این مطلب چنین است که مدیریت اسلامی یک سبک مدیریتی است که در آن هدف وسیله را توجیح نمی‌کند و در اجرای این سبک مدیریتی باید به آموزه‌های دین مبین اسلام و دستورات آن در خصوص مدیریت و انجام کارها توجه کرد و آن‌ها را به صورت عملی مورد استفاده و کاربرد قرار داد و چنین نیست که فقط با شعارهای اسلامی و نظرات تئوریک صرف، این چنین سبک مدیریتی در صحنه‌ی عمل خود را نمایان کند؛ لذا برای روشن‌تر شدن موضوع مواردی که در خصوص این بحث مورد بحث و بررسی قرار گرفته است مورد اشاره قرار می‌گیرد.

- مصباح یزدی در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مفهوم مدیریت اسلامی» که با استفاده از روش مفهوم‌پردازی فلسفی به تشریح مدیریت اسلامی پرداخته است و می‌گوید: «تعبیر مدیریت اسلامی حاکی از این است که مدیریت می‌تواند دارای دو وصف اسلامی و غیر اسلامی باشد و از این جهت

قرب الی الله است که در مدیریت غیر اسلامی هیچ گونه التزامی در رابطه با اجرای قوانین الهی وجود ندارد (۱۳).
- Khonyfer در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی» می‌گوید: «رقابت در نظام مدیریت غرب آزاد است، اصولاً اساس تعادل اقتصادی را رقابت آزاد تعیین می‌کند و در این سیستم، رقابت، دروغ، تبلیغ بی جا و زیاده‌خواهی هدف اصلی و اساسی در صحنه‌ی بازرگانی و بین‌المللی است؛ در حالی که مدیریت اسلامی با توجه به ارزش‌هایی مانند عدالت، نوع‌دوستی، رعایت انصاف و سایر ارزش‌ها مسأله‌ی حقوق مشتری و همکاران یک اصل انکار ناپذیر است (۱۴).»

نتیجه‌گیری

- لازمه‌ی حکومت و مدیریت اسلامی؛ رحمت، محبت و مهربانی به شهروندان است و نه استبداد و خودرأیی و منفعت طلبی.
- حکومت اسلامی برای احیای دین و تأمین آرامش و امنیت اجتماعی و احقاق حقوق مردم بنا شده است و نه برای زورگویی و ...؛ بنابراین در نظام اسلامی، مدیر باید با توجه به منزلت‌های انسانی، مسایل ارزشی و وضع قوانین و مقررات هماهنگ با احکام الهی مدیریت کند.
- در مدیریت اسلامی؛ ارزشیابی، وحدت و هماهنگی، سعه‌ی صدر، مشورت و ارتباط مدیر با مردم و ... از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.
- در مدیریت اسلامی؛ معیار شایستگی مدیر، ایمان، دانش، آگاهی، کفایت و ... است.
- مدیریت اسلامی از دیدگاه محققین مبتنی بر مکتب اسلام بوده و به طور کامل تحت تأثیر آن قرار دارد؛ به گونه‌ای که رعایت شئون اسلامی در این مدیریت اولین وظیفه‌ی مدیر محسوب می‌شود.
- در مدیریت اسلامی توجه به نظام ارزشی اسلام (اخلاق، تقوا، عدالت‌طلبی، خدمت و امانت بودن مدیریت و ...) و حفظ آن اهمیت ویژه‌ای داشته و در اولویت قرار دارد.
- وظیفه‌ی مدیر، در مدیریت اسلامی تنها افزایش تولید

این سؤال مطرح می‌شود که چه ارتباطی بین مدیریت به عنوان یک علم و دین اسلام به عنوان یک دین وجود دارد؟»
بنابراین وی معتقد است مهم‌ترین ارتباطی که میان علوم (به ویژه علوم کاربردی) و میان ادیان (به ویژه دین اسلام) وجود دارد و طبعاً در مورد مدیریت هم صدق می‌کند، رابطه‌ی جهان‌بینی اسلامی و رابطه‌ی نظام ارزشی اسلام با علوم انسانی است که رابطه‌ی اول از راه تأثیر نظریات اسلامی پیرامون مسایل خدانشناسی، هستی‌شناسی و آخرت‌گرایی به عنوان اصول موضوعه در علم انسانی و از جمله مدیریت تجلی می‌کند و رابطه‌ی دوم از راه تأثیر ارزش‌های اسلامی در تعیین اهداف و خط‌مشی‌ها و روش‌های علمی ظاهر می‌شود، می‌باشد (۱۰).

- رحیمی نیک در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه‌ی تطبیقی مدیریت اسلامی و سایر مکاتب مدیریتی" به بررسی این تفاوت‌ها پرداخته است و معتقد است؛ "در مدیریت و در بین مکاتب و تئوری‌های زیاد مدیریتی نیز تفاوت وجود دارد و به همین منظور است که این تفاوت‌ها در بحث مدیریت اسلامی و سایر مکاتب دیگر نمایان‌تر و جلوه‌گر می‌شود؛ چرا که در اصول مدیریتی از جمله برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری و نظارت و کنترل تفاوت‌هایی وجود دارد که محقق این مقاله در جدولی به این تفاوت‌ها اشاره کرده است و از جمله به تفاوت در اهداف، اصول، زیربنایها و سرمنشأهای بحث اشاره می‌نماید (۱۱).

- فروزنده دهکردی و جوکار در پژوهشی با عنوان «مدیریت اسلامی و الگوهای آن» می‌گویند: «روش تحصیل سود در مدیریت اسلامی مغایر با مصالح عمومی جامعه نبوده و رعایت سایر موازینی که مشروعیت دارند نیز شرط است». بر همین اساس احتکار، ربا، انحصار مایحتاج عموم مردم حرام است، ولی می‌بینیم که در مکاتب دیگر مدیریتی در برخی مواقع دست زدن به چنین کارهایی تشویق نیز می‌شود (۱۲).

- احمدی در پژوهشی با عنوان «مدیریت اسلامی» اظهار می‌دارد: "آن چیزی که مدیریت اسلامی را از سایر سبک‌های مدیریتی متمایز می‌سازد، مجموعه اهداف، مأموریت و رسالت‌های اصلی آن در چارچوب احکام اسلامی و

- بسترسازی در زمینه‌ی تولید علم بومی در خصوص بحث و فعال شدن جنبش نرم‌افزاری در زمینه‌ی مباحث مدیریت اسلامی.

- توجه و تمرکز و اجرایی کردن نظریات و ایدئولوژی‌های اسلامی در زمینه‌ی مدیریت اسلامی.

- راه‌اندازی مرکز تخصصی و نظام‌مند از متخصصان دینی و دانشگاهی و ارایه‌ی سرفصل و اولویت‌های کاری راجع به بحث مدیریت اسلامی.

- توجه به انجام مطالعات کیفی در خصوص بحث مدیریت اسلامی.

- انجام فعالیت‌های علمی به منظور آسیب‌شناسی عدم توجه نظام‌مند به بحث مدیریت اسلامی.

- رفتن به سمت انجام پژوهش‌های علمی به جهت احصاء نمودن اصول مدیریت اسلامی از میان منابع این مکتب مدیریتی.

- انجام پژوهش‌های دیگر در خصوص هر کدام از سرفصل‌های استخراج شده‌ی مطالب تحقیق حاضر.

- انجام تحقیق در خصوص مقایسه‌ی مؤلفه‌های مدیریت اسلامی و سایر مکاتب مدیریتی.

- اعلام نیاز نمودن مراجع علمی کشور اعم از مراجع برنامه‌ریز یا اجرایی در خصوص چشم‌اندازهای آینده‌ی هدف‌دار در خصوص بحث مدیریت اسلامی.

نیست و توجه به انسان به عنوان اشرف مخلوقات که خداوند آسمان‌ها و زمین را مسخر او کرده است و تعالی وی در اولویت بالاتری از تولید قرار دارد.

- در مدیریت اسلامی هدایت انسان‌ها به سوی کمال وظیفه‌ی اصلی قلمداد می‌شود.

- مدیریت در اسلام امانتی است که باید در نگهداری و رساندن آن به کسی که اهلیت آن را دارد دقت وافر به خرج داد؛ در واقع نمی‌توان این مسؤولیت را به هر کس سپرد.

- سازمان در مدیریت مجموعه‌ای از انسان‌ها است که از طریق هم‌افزایی توان آن‌ها (که در مدیریت اسلامی در جهت رسیدن به کمال قرار دارند) در خدمت انسان قرار می‌گیرد. در این رهگذر و در یک عرصه‌ی رفت و برگشت؛ افراد با کار جهت یافته‌ی خود، سازمان را به نتایج دلخواه می‌رسانند و مجموعه‌ی سازمان مدیریت و کارکنان نیز از بازتاب نتایج کار خود، هم از نظر معنوی و هم از نظر مادی بهره‌مند می‌شوند.

پیشنهادهای

- ایجاد اتاق فکر با حضور متخصصان دینی و دانشگاهی در مورد بحث مدیریت اسلامی.

- ورود به بحث مدیریت اسلامی با ذهنی خالی از تئوری‌های غربی و رفتن به سمت تئوری‌پردازی با رویکرد اسلامی.

References

1. Alvani SM, Faghihi AH. Applied Islamic management approach. Qom: Safar Publication; 2006. p. 55. [In Persian].
2. Khonifer H. The overture on management alphabet and Imam Ali's point. Tehran: Research Center of Tehran University; 2002. p. 115-25. [In Persian].
3. Shafie Abadi A. In the adaptive management approach. Qom: Farda Nashr; 2002. p. 28. [In Persian].
4. Ghavami S. Management from point of view of Islam. Qom: Vasea Publication; 2005. [In Persian].
5. Nazem Alroaya J. Tremendous of Quran. 1st ed. Isfahan: Insight Publication; 2008. p. 48. [In Persian].
6. Rahmati M. Implementing Islamic management studies as knowledge, Quarterly journal management studies. Tehran: Behesht Nashr Publication; 2009. [In Persian].
7. Tarviji A. Quarterly Journal of Marefat. Qom: Imam Khomeini Publication; 1996. [In Persian].
8. Farahmand N. Implementing organization culture's performance from point of Islamic management. Tehran: Islamic Azad University Publication; 2000. [In Persian].
9. Ahmadi A. Collection of articles of Islamic management. Tehran: Islamic Azad University Publication; 2005. p. 85. [In Persian].

10. Mesbah Yazdi M. The needs of management. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 1997.
11. Rahimi Nick A. Comparative study of management and other management schools. Tehran: Research Center of Islamic Azad University; 1998. p. 96. [In Persian].
12. Frouzandeh Dehkordi L, Jokar AA. Management and the Islamic way. Tehran: Payam Noor University Publication; 2007. p. 55. [In Persian].
13. Ahmadi A. Management. Proc. Tehran: Islamic Azad University Publication p.80-90; 2007. [In Persian].
14. Khonyfer H. Methods of Management in dealing with issues imam Ali. Tehran: Student Publications University; 2005. P. 65.



Perceptions of Managers and Academic Experts about Islamic Management Components*

Mohammad Hossein Yarmohamadian, PhD¹; Masoud Ferdowsi, PhD²;
Mohammad Hossein Pasandide³

Abstract

Introduction: Management is the most important factor in success and survival of organizations. Managers thus have decisive vital role in development of any organization. The purpose of this research was to assess the opinions and perceptions of executives and academic experts about Islamic management components.

Methods: This study used qualitative content analysis to evaluate 14 academics who had experience or publications related to the topics of the research. To collect data, interviews were conducted to reach saturation. The main concepts of the interviews were then extracted.

Results: The religious, Islamic government aims to restore peace, security, and social rights, not to intimidate people. The leader of an Islamic system should thus be committed to human dignity, values, regulations and divine laws. Islamic management appreciates evaluation, unity and harmony, tolerance, and consultation and communication with people. Mercy, compassion and kindness to the citizens are the prerequisites of an Islamic government.

Conclusion: Islamic management is derived from the guidelines of Islam. The most important feature of this management method is to consider a holy goal for which no unacceptable measures should be performed.

Keywords: Perceptions; Managers; Component of Management.

Type of article: Original article

Received: 7 Feb, 2012

Accepted: 3 Mar, 2012

Citation: Yarmohamadian MH, Ferdowsi M, Pasandide MH. **Perceptions of Managers and Academic Experts about Islamic Management Components.** Health Information Management 2012; 8(8): 1006.

* This article was derived from a research project (No. 290058) supported by Health Management and Economics Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

1. Associate Professor, Educational Planning, Health Management and Economics Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

2. Assistant Professor, Health Services Management, Health Management and Economics Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

3. MSc, Cultural Management, Young Researchers Club, Khorasghan Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran (Corresponding Author) Email: pasandide.2009@yahoo.com